

# کلیشه‌های جنسیتی؛ قالبی برای ساخت شخصیت آدمآهنی

## Gender Stereotypes, a Template for Making a Robot Character

هانیه پاکزادیان

دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان

hani.p1911@gmail.com

### چکیده

بحث کلیشه‌های جنسیتی یک بحث کاملاً ریشه‌ای و اساسی است چراکه می‌تواند همانند سایر تجارب ناخوشایند در کودکی در ساختار مغزی افراد از همان سنین کودکی تغییراتی ایجاد کند و از این مسیر عملکرد، افکار، رفتار و حتی تصمیم‌گیری‌های آنها را تحت کنترل خود قرار دهد و طبیعی ترین حقوق انسانی همچون اختیار و انتخاب را از افراد صلب کند تا در نهایت با یک الگوی از پیش طراحی شده به آنها اجازه‌ی حضور در اجتماع را بدهد.

اگرچه تلاش‌هایی در جهت آگاهسازی مردم در رابطه با اثرات سوء کلیشه‌های جنسیتی بر زنان صورت گرفته است اما آگاهی افراد جامعه از آسیب‌های آن بر مردان پایین است و این چیزی است که مرد را در معرض مشکلات روحی قرار می‌دهد. باید در جهت آگاهسازی افراد و آموزش به موقع گامی محکم برداشته شود تا نسلی پویا پرورش یابد.

### وازگان کلیدی: کلیشه‌های جنسیتی، مغز، هوش و استعداد، دختر و پسر

تجارب ناخوشایند در کودکی عمل کند و این موضوع از این جهت بسیار مهم است تا آگاهسازی در این حیطه صورت گیرد و از عواقب مخرب این کلیشه‌ها جلوگیری شود.

### مقدمه

تجارب ناخوشایند در کودکی<sup>۱</sup> مواردی هستند که اگر نوزاد یا کودک برای مدت زیادی در مواجهه با آن قرار گیرد، ساختار مغزی اش چهار تغییر خواهد شد که این موجب تغییر در عملکرد فرد و همچنین سبب بروز برخی از بیماری‌های جسمی می‌شود [۲].

برخی از مهم‌ترین این تجارب شامل موارد زیر است.

۱. رهاشدگی و غفلت عاطفی. ۲. رهاشدگی و غفلت فیزیکی. ۳. سؤ رفتار فیزیکی. ۴. سؤ رفتار جنسی. ۵. تجربه‌ی قدری توسط همسالان. سایر این تجربه‌ها مواردی مثل فقر شدید، مشاهده‌ی خشونت، انگ اجتماعی، اختلاف در خانواده و ... است.

کلیشه‌های جنسیتی از جمله تجارب ناخوشایند در کودکی در نظر گرفته می‌شود چراکه به عنوان مثال پسرچه‌ای که مدام به او گفته می‌شود مرد که گریه نمی‌کند، مرد که نباید خسته شود و ...، بمناچار وادر به سرکوب کردن عواطف و احساسات خود می‌شود و بخشی از وجود انسانی خود را سرکوب می‌کند. در یک فضای متشنج که نقش کلیشه‌های جنسیتی بسیار پررنگ است، دختران از سمت والدین خود مورد تنبیه و تهدید قرار می‌گیرند تا از انجام برخی از کارها که به گفته‌ی والدینشان، کارهای مردانه هستند، دوری کنند. پس اگر کودکان، بهمدت زیادی در مواجهه با کلیشه‌های جنسیتی شدید قرار گیرند، این کلیشه‌ها می‌توانند مانند

### اثرات کلیشه‌های جنسیتی بر کودکان (دختر و پسر)

کلیشه‌های جنسیتی قالب‌های محکمی هستند که کودکان را در برمی‌گیرند و آنها را همان‌گونه که خودشان می‌خواهند شکل می‌دهند و کنترل می‌کنند. قالبهایی که کودکان را طبق الگوهای از پیش طراحی شده به عرصه‌ی فعالیت‌های مختلف اجتماعی وارد می‌کنند. چنین شخصیتی بی‌شباهت به آدم‌آهنهای نیست زیرا قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری ندارد. بخشی از اثرات منفی کلیشه‌های جنسیتی بر عملکرد درسی بچه‌ها خواهد بود. در سال ۲۰۱۷ گزارشی در نشریه‌ی ساینس چاپ شد که نشان‌دهنده‌ی تأثیر این کلیشه‌ها بر میانگین نمرات دخترها و پسرها در ورودی کالج‌های امریکا بود. بر اساس این گزارش میانگین نمرات پسرها بسیار بیشتر از دخترها بود [۳]. در حقیقت جملات کلیشه‌ای مانند پسرها باهوش و بالستعدادترند، پسرها قوی‌ترند و ... سبب شکل‌گیری باوری غلط بین افراد جامعه شده‌اند و پژوهش گران بر این باور هستند که این تصور و توهمندی باهوش‌تر بودن پسرهاست که

جمله‌های کلیشه‌ای زیادی وجود دارند که چنین اثرهای مخرب و منفی ایجاد می‌کنند از جمله اینکه دخترها را ندهی خوبی نیستند، پسرها که آشپزی نمی‌کنند، پسرها باهوش‌تر هستند و سایر جمله‌ها که به ظاهر ساده به نظر می‌رسند اما اگر به کار برده شوند، دریچه‌ی ورود کودکان به قالب‌ها را باز می‌کنند و به آن‌ها اجازه‌ی انتخاب نمی‌دهند بلکه برایشان انتخاب می‌کنند.



تصویر ۲. اسباب‌بازی‌ها جنسیت ندارند، من می‌خواهم بازی کنم. این حق کودکان است که فارغ از دختر یا پسر بودن، آزادانه انتخاب کنند و نباید آن‌ها را محدود به رنگ و بازی خاص کرد.

### اثرات منفی کلیشه‌های جنسیتی بر مردان جامعه

تقویت تعاریفی که مردان از خود بر اساس کلیشه‌های جنسیتی داشته‌اند به ارزش‌گذاری مثبت آن‌ها از کارایی خود در جامعه منجر شده است چراکه کلیشه‌های جنسیتی مردانه با تعاریف مثبت و تأیید آن‌ها در جامعه همراه بوده است (۱).

اما نکته‌ی قابل توجه این است که صحبت زیادی از اثرات منفی و مخرب کلیشه‌های جنسیتی بر آقایان نیست. جملاتی نظری: مرد همیشه یک تکیه‌گاه محکم است، مرد حق ندارد خسته و نالمید بشود، مرد که گریه نمی‌کند یا ابراز احساس

سبب ایجاد تفاوت در عملکرد درسی آن‌ها شده است. دروری<sup>۲</sup> در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که دختران مدارس تک جنسیتی شایستگی اجتماعی و اعتماد به نفس بیشتری در مقایسه با دختران مدارس مختلط دارند (۱). این اتفاق و همچنین سایر رخدادهای مشابه، به‌وضوح نشان می‌دهند که جملات کلیشه‌ای این چنین ساده چه تأثیرات عمیقی را ایجاد خواهند کرد و این‌گونه اعمال ما را تحت کنترل خود در می‌اورند و قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری را از ما صلب می‌کنند و اجازه خواهند داد در مسیری قدم برداریم که مایل هستیم و ما را از خود واقعی دور می‌کنند. کودکان تا حدود سن پنج سالگی بحث کلیشه‌های جنسیتی را درک نمی‌کنند [۳] اما تحت تأثیر والدین و سایرین از حدود سن شش سالگی به بعد متوجه تفاوت‌ها می‌شوند و زمانی که دایره‌ی ارتباطی آن‌ها گسترش می‌یابد و با دوستان خود وارد ارتباطی نزدیک‌تر می‌شوند، خودشان هم این کلیشه‌ها را از نزدیک لمس می‌کنند. به عنوان مثال پسریچه‌ای که می‌خواهد با عروسک بازی کند به احتمال زیاد از سمت خواهر و برادر بزرگ‌تر یا دوستانش منع می‌شود و چنین جملاتی را خواهد شنید: پسر که با عروسک بازی نمی‌کنه، مگه دختری با عروسک بازی می‌کنی یا جملاتی مشابه و در چنین شرایطی طرح‌واره‌های جنسی شکل می‌گیرند. نظریه‌ی طرح‌واره‌ی جنسی یک رویکرد پردازش اطلاعات به نقش یابی جنسی است که ویژگی‌های یادگیری اجتماعی و شناختی-رشدی را ترکیب می‌کند. این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه فشارهای محیطی و شناخت کودکان با هم به شکل‌گیری نقش جنسی کمک می‌کنند. کودکان از همان سنین اوایله، ترجیحات و رفتارهای نقش یابی جنسی را از دیگران برداشت می‌کنند و در عین حال آن‌ها تجربیات خود را در طرح‌واره‌های جنسی یا طبقات مردانه و زنانه سازماندهی می‌کنند و از آن‌ها برای تعبیر کردن دنیای خود استفاده می‌کنند. بهمین اینکه کودکان پیش‌دبستانی بتوانند جنسیت خود را بشناسند، طرح‌واره‌های جنسی همانگ با آن را انتخاب می‌کنند ( فقط پسرها می‌توانند دکتر شوند یا آشپزی کار دخترهاست) و این طبقات را در مورد خودشان به کار می‌برند. خودپندارهای آن‌ها از آن‌پس جنسیت را جذب می‌کند و کودکان از آن به عنوان طرح‌واره‌ای برای پردازش اطلاعات و هدایت کردن رفتار خود استفاده می‌کنند. طرح‌واره‌ها این‌گونه افراد را از مسلم‌ترین حقوق انسانی خود یعنی قدرت انتخاب و اختیار و آزادی دور نگه می‌دارند.



تصویر ۱. نقش مخرب کلیشه‌های جنسیتی

به عنوان مثال می‌شود با تشکیل سازمان‌های مردم نهاد<sup>۳</sup> در شهرها نسبت به شروع آموزش و آگاهسازی در مریبیان و معلمان مهدها که با کودکان گروه سنی پایین‌تر در ارتباط هستند گامی مؤثر برداشت چراکه آموزش به موقع میزان عوارض منفی و مخرب را کاهش می‌دهد یا با ساخت و نشر برنامه‌های آموزشی در رسانه‌های عمومی، همه‌ی افراد جامعه را از عاقبت این کلیشه‌ها آگاه کرد.

این حق مسلم همه‌ی ما است که فارغ از مرد یا زن بودن، نسخه‌ی اصلی خودمان باشیم.



تصویر ۳. کلیشه‌های جنسیتی برعلیه مردان

## منابع فارسی

- سفیری، خدیجه و منصوریان راوندی، فاطمه (۱۳۹۴). کلیشه‌های جنسیتی و سلامت اجتماعی. "مطالعه‌ی مردان و زنان شهر تهران". مطالعات اجتماعی - روان‌شناسی زنان، (۲)، ۱۳، ص ۳۷-۶۶.
- برک، لورا. روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی) (جلد اول). ترجمه: یحیی سید محمدی (۱۳۹۰). تهران: ارسیاران.

## منابع انگلیسی

- Zeanah, C.H, Fox, N. A, Smyke, A. T., Marshall, P., Parker, S. W, & Koga, S. (2003). Designing research to study the effects of institution on brain and behavioral development: The Bucharest Early Intervention Project. *Development and Psychopathology*, 15 (4), 885-907.
- Johanna Bick & Charles A Nelson. (2016). Early Adverse Experiences and the Developing Brain, *Neuropsychopharmacology Reviews*, 41, 177-196.
- Bian, L., Leslie, S. J., & Cimpian, A. (2017). Gender Stereotypes about intellectual ability emerge early and influence childrens interests. *Science*, 355 (6323), 389-391.

خسته و نالمید بشود، مرد که گریه نمی‌کند یا ابراز احساس نمی‌کند، مرد ساخته شده برای کارهای دشوار، مرد ساخته شده برای روزهای سخت، مرد باید شبیه یک جنگجوی قدرتمند باشد و ... این جملات که ظاهری تمجید گونه و آراسته دارند، به مردان اجازه‌ی تخلیه‌ی هیجانی نمی‌دهند و آن‌ها را قادر می‌کنند علیرغم اینکه انسان هستند و نیاز دارند گاهی به دیگری تکیه کنند، احساسات شوند و اشک بریزند یا در پی شکست بشینند و با احساسات درونی خود همچون نالمیدی مواجه شوند، همیشه بخشی از ماهیت انسانی خود را سرکوب کنند و احساسات خود را نایدیده بگیرند و با همان روح آسیب‌دیده به حرکت در مسیر خود ادامه دهنند. حتی گاهی برخلاف میل خود باید پرخاشگری کنند تا همچنان یک جنگجوی قدرتمند باقی بمانند و این گونه با گذر زمان سخت‌تر و ربات گونه‌تر خواهند شد. متأسفانه افراد از این مهم آگاه نیستند و حتی بدتر اینکه گاهی خود آقایان هم از آن‌ها استفاده می‌کنند و از شنیدن آن احساس غرور می‌کنند چراکه این جملات کلیشه‌ای، ظاهر تمجید گونه دارند و ذهنیت منفی ایجاد نمی‌کنند. جای خوشنودی است که نگاه افراد جامعه در رابطه بازیش‌های واقعی زنان و توانمندی‌های آنان تغییر مثبت داشته است و زنان توانسته‌اند بیش از پیش حضوری مؤثر در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های اجتماعی داشته باشند به طوری که میزان مشارکت زنان در نیروی کار در سراسر جهان در حال افزایش است. سهم زنان از نیروی کار جهان از ۲۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است اما در رابطه با اثرات منفی این کلیشه‌ها بر مردان باید تلاش شود تا همه‌ی افراد جامعه به خصوص مردان از آسیب‌های این جملات کلیشه‌ای آگاه شوند. بسیاری از تفاوت‌های مردان و زنان در جایگاه‌های مختلف اجتماعی دارای منشاء‌یست‌شناختی نیستند چراکه محیط اجتماعی و فرهنگی نقش مؤثری در جهت‌دهی به افراد و رفتارهای جنسیتی افراد جامعه دارد. پس برای شکل‌گیری جامعه‌ای پویا به همان اندازه که احیای حقوق و ارزش‌ها و توانمندی‌های بانوان با اهمیت است حمایت از بعد عاطفی مرد نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

## نتیجه گیری

همان‌طور که اختراع و ساخت یک دستگاه به پیشرفت فناوری کمک می‌کند یا کشف یک راه درمانی در بهبود سلامت جامعه حائز اهمیت است، بحث کلیشه‌های جنسیتی هم یک بحث ریشه‌ای است که اگر به درستی حل شود می‌تواند تغییرات چشمگیری را ایجاد کند و بسیاری از مشکلات و مضلاتی که امروزه جامعه با آن درگیر است را حل کند چراکه همه‌ی افراد در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرند و متعهدانه‌تر تلاش خواهند کرد و مسئولیت‌پذیری خواهند شد. درنتیجه برای دستیابی به این مهم باید اتفاق فکری ایجاد شود، از صاحب‌نظران این حوزه کمک گرفته شود، برنامه‌ریزی صورت گیرد و در پی آن به تمام افراد به خصوص والدین، معلمان، مریبیان و کسانی که در تماس و تعامل مستقیم با کودکان هستند آموزش داده شود تا کودکان از کلیشه‌های جنسیتی تا حد ممکن دور نگه داشته شوند و در آینده وارد همان راهی شوند که می‌خواهند و می‌توانند و نه چیزی که برایشان حکم شده است.